

پروژه فرار از چین

براساس تحلیلی که توسط شرکت مشاوره مهاجرت سرمایه‌گذاری بریتانیا به نام Henley & Partners منتشر شده است، انتظار می‌رود ۱۲۸ هزار میلیون در سال جاری به کشورهای مختلف نقل مکان کنند. این آمار از رقم ۱۲۰ هزار میلیون در سال گذشته فراتر رفته است. چین در صدر این فهرست قرار دارد و بیش از این شاهد مهاجرت میلیون‌های چینی به دلیل همه‌گیری کووید-۱۹ و نارضایتی‌های اقتصادی آنها بوده‌ایم. هر چند کمپین مبارزه با فساد رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ نیز در این امر مؤثر بوده است. در مجموع، تخمین زده می‌شود که چین در سال جاری حدود ۱۵ هزار و ۲۰۰ نفر از ثروتمندترین افراد خود را از دست خواهد داد که این رقم در سال قبل ۱۳ هزار و ۸۰۰ نفر بود. نکته مهم این است که جوانان چینی نیز شروع به فرار کرده‌اند. فرار از کشور در چین پدیده جدیدی نیست، اما در گذشته مردم اغلب به دلایل حقوق بشری چین را ترک می‌کردند. این نوع مهاجرت پس از به قدرت رسیدن شی در سال ۲۰۱۲ تشدید شد. او شروع به اعمال کنترل بیشتر بر سیستم سیاسی کشور کرد و با کسانی که نظرانی را ابراز می‌کردند که برای رهبری حزب مضر به نظر می‌رسید، برخورد می‌شد. حتی قبل از آن، در اواخر قرن بیست و یکم، تعداد فزاینده‌ای از دانشجویان و دانش‌پژوهان، خروج از کشور را انتخاب کردند. بین سال‌های ۱۹۷۸ و ۲۰۱۰، تعداد کل دانشجویان چینی که از سال ۱۹۷۸ در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند، تقریباً به یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر رسیده است. فقط ۶۰۰ هزار نفر برگشتند و بقیه برای پایان تحصیل، یافتن فرصت‌های شغلی بیشتر یا بر خورداری از آزادی سیاسی بیشتر به چین بازنگشتند. تعداد دانشجویانی که در ابتدا قصد داشتند برای دانشگاه در چین بمانند و در عوض تحصیل در خارج از کشور را انتخاب کردند از ۳ درصد در سال ۲۰۲۱ به ۱۵ درصد در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است. محبوب‌ترین مقصدها ایالات متحده، استرالیا و نیوزیلند بوده است. به غیر از سخنرانی گاه به گاه شی و دیگر مقامات در محوطه دانشگاه، یکن آنقدرها هم نگران این امر نیست. اما همه‌گیری شرایط را تغییر داد. مردم چین تقریباً در تمام سنین و از همه طبقات اجتماعی شروع به ابراز نارضایتی کردند. این اعتراضات نه فقط نسبت به وضعیت نابسامان اقتصادی، بلکه از نحوه مدیریت دولت در دوران کرونا بود. وقتی آشکار شد که افراد بیشتری، به‌ویژه جوانان، ثروتمندان و تحصیلکرده‌ها - یعنی افرادی که بر روی کاغذ به احیای اقتصاد چین کمک می‌کنند - در حال ترک کشور هستند، توجهات دولت نیز جلب شد. نگرانی یکن بیش از پیش تشدید شد زیرا شروع به اولویت دادن به نوسازی و نوآوری فناوری علمی به‌عنوان وسیله‌ای برای رونق اقتصادی خود کرده است. برای اینکه فناوری به صورت پویا توسعه یابد، استفاده از استعداد های جوان بسیار مهم است. به این ترتیب، به امید حفظ فارغ‌التحصیلان جدید، دولت در سال ۲۰۲۲ سیاست جدیدی را اتخاذ کرد که صدور گذرنامه را به شدت دشوار و دست‌وپاگیر کرده است. این سیاست تاکنون نتیجه مطلوبی نداشته است؛ اتفاقاً تقاضا برای تحصیل در دانشگاه‌های خارج از چین بیشتر نیز شده است. دانشگاه‌ها دانشجویان خود را برای کار در زمینه‌هایی که منجر به نوآوری در آینده می‌شود آماده نمی‌کنند. بسیاری از فارغ‌التحصیلان نمی‌خواهند برای کار به شهر خود بازگردند. مهاجران ثروتمند انگیزه‌های دیگری برای خروج از چین دارند. در سال ۲۰۲۰، یکن سرکوب گسترده‌ای را علیه شرکت‌های بزرگ فناوری آغاز کرد. این کمپین ۱۸ ماهه به‌طور خاص برای بازسازی این شرکت‌ها، کاهش نفوذ آنها بر بخش فناوری تحت نام توزیع مجدد ثروت و پایان دادن به رشد بی‌رویه و رقابت بی‌قاعده انجام شد. این سرکوب در برخی جهات جواب داد، اما در برخی دیگر نتیجه معکوس داشت. این سیاست به‌طور نامتناسبی بر شرکت‌های کوچکتری که توانایی پرداخت هزینه‌های افزایش انطباق با مقررات را ندارند، فشار وارد کرد و همچنین آزادی صاحبان شرکت‌های ثروتمند چینی و سرمایه‌گذاران آنها برای انجام مشاغل خاص و قرار دادن سهام در فناوری‌های بزرگ سلب شد. سرمایه‌گذاران ثروتمند و صاحبان مشاغل سرخورده هستند. اگر چه ایالات متحده، استرالیا و نیوزیلند محبوبیت کمتری دارند، اتحادیه اروپا، به‌ویژه آلمان و پرتغال، به مقصدهای انتخابی میلیون‌های فراری از چین تبدیل شده‌اند. ژاپن نیز شاهد افزایش آمار ثروتمندان چینی بوده است. گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد که تعداد شهروندان چینی که با ویزای مدیریت تجاری وارد ژاپن شده‌اند، در سال گذشته به رکورد بیش از ۲ هزار نفر رسیده است.



ساسان کریمی، مدرس دانشگاه و

تحلیلگر سیاست خارجی: خیر، نقش

رئیس دستگاه اجرایی و ضمناً توابع او در سه سطح بر سر نوشت کشور در سیاست خارجی مؤثر است: ▶ تصمیم‌سازی از طریق چگونگی انتقال پیام از محیط بین‌الملل به داخل، تصمیم‌سازی اتاق‌های فکر دولتی و جلسات تصمیم‌سازی سطوح بالا که رئیس‌جمهور و دیگر اعضای دولت در آن شرکت دارند. ▶ تصمیم‌گیری در سطوح بالا و نهادهایی مانند شورای عالی امنیت ملی و جلسات سطح بالاتر. ▶ نحوه اجرای تصمیمات و جزئیاتی که به تیم‌های مجری دولت وابسته است و تفاوت آنها در محورهای مختلف در کلیت اجرا شدن و اجرا نشدن هم مؤثر است.

در بسیاری از موارد تصمیم نظام به حل مسئله بوده است ولی کارگزار توان یا جسارت این معنا را نداشته است. باید توجه کرد که به هر حال کار را کارگزار انجام می‌دهد و به‌خصوص در کشورهایی مانند ایران که از نظر تشکیلاتی ساختار فربه و صلبی ندارند، کارگزار تاثیر بسیار عمده‌ای دارد. نمونه‌های آن در پرونده‌های سیاست خارجی پس از انقلاب فراوان است.

کوروش احمدی، تحلیلگر سیاست

خارجی: اولاً روشن نیست که سیاست

کلی نظام احیای برجام باشد؛ با توجه به اینکه شاید تاریخ مصرف برجام ۹۴ به دلایل فنی و سیاسی تمام شده باشد و شاید باید در فکر نوعی دیگر از توافق با غرب باشیم که البته خود بحث مستقلی است. ثانیاً شاهد و قرینه‌ای که حاکی از وجود



حسن بهشتی‌پور، تحلیلگر سیاست

خارجی: این گزاره بخشی از واقعیت را

بیان و بخشی را کتمان می‌کند؛ بخشی از حقیقت این است که تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران در مسائل کلان از جمله مذاکرات هسته‌ای، در شورای عالی امنیت ملی که نهاد فراقوه‌ای براساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی است که به مسائل کلان کشور رسیدگی می‌کند، بنابراین تصمیم‌گیری در آنجا صورت می‌گیرد، بنابراین این مسئله صحت دارد که آنچه در این شورا تصویب می‌شود و در نهایت به تایید رهبری نیز می‌رسد، باید از سوی دولت اجرا شود. اما آنچه در این گزاره کتمان شده، این است که رئیس‌جمهور در تصمیم‌سازی، تعیین‌کننده است، به این معنا که درست است که وی، تصمیم‌گیر نهایی نیست اما در تصمیم‌سازی نقش محوری و اساسی دارد، چنانچه خودش، وزیر امور خارجه، وزیر اطلاعات و وزیر کشور عضو مؤثر شورای عالی امنیت ملی هستند. ضمن اینکه بسیاری از ایده‌های مختلف که خوراک فکری این شورا هستند، در کمیته‌های کارشناسی شورای عالی امنیت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ بنابراین بسیار متفاوت است که چه کسی در پاستور باشد، نکته سوم که معتقدم از دو مورد ابتدایی مهمتر است، نقش رئیس‌جمهور و تیمش در اجرای مصوبات شورا است؛ به این معنا که گاهی شما مصوبه خوبی در شورای عالی امنیت ملی دارید اما در اجرا با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌شوید، اینکه آن مدیریت توانا باشد و خوب دستورات را طراحی و اجرا کند و آن را محقق کند، ابتدا به شخص رئیس‌جمهور به‌عنوان دومین مقام اجرایی کشور و تیم همراهش بستگی دارد.



سیاست کلی برای احیای برجام باشد، در دست نیست. نظام هم در اوائل تیر ۱۴۰۰ و هم در اسفند ۱۴۰۰ و هم در شهریور ۱۴۰۱ امکان احیای برجام ۱۳۹۴ را داشت. ولی به آن تن نداد و این در حالی بود که بخشی از طیف ضدبرجامی در دولت مرحوم رئیسی در مواجهه با واقعیات عینی سیاست خود را تعدیل کرده و برای احیای برجام تلاش کرده بود. اما بخشی از همان طیف که همچنان اسیر توهمات باقی مانده بود، نقش مهمی در خنثی کردن تلاش‌ها برای احیای برجام بازی کرد. از حالا به بعد نیز شکی نیست که تصمیم‌گیر نهایی در مورد برجام رئیس‌جمهور نیست. اساساً مذاکرات عمان که به برجام منتهی شد، در سال ۹۱ در دولت احمدی‌نژاد بدون اطلاع رئیس‌جمهور وقت (در مراحل اولیه) و بدون موافقت یا حداقل حمایت وی شروع شده بود. با این حال رئیس‌جمهور نیز به‌عنوان جزئی از هیئت حاکمه می‌تواند بر تصمیمی که گرفته می‌شود اثر بگذارد. اساساً اگر چه همیشه مقامات عالی و میانی تاکید کرده‌اند که مسئولیت سیاست خارجی با رهبری است و دولت مجری است، اما از آنجا که تصمیم در خلا گرفته نمی‌شود و ترکیب هیئت حاکمه و پایگاه اجتماعی مهم است، حتماً فرق خواهد کرد که چه رئیس‌جمهوری در شورای امنیت ملی نشسته و طرف مشورت قرار گرفته باشد. خاصه آنکه رئیس‌جمهور در تعیین برخی از دیگر اعضای شورای امنیت ملی مانند وزیر خارجه و وزیر کشور و وزیر دفاع هم بسته به توان و اراده اش می‌تواند نقش داشته باشد. لذا اگر سعید جلیلی، رئیس‌جمهور شود او و تیم او اساساً در جهت هیچ‌گونه تفاهمی با غرب حرکت نخواهند کرد. اما مسعود پزشکیان برعکس در چنین جهتی تلاش خواهد کرد.

با توجه به اینکه روز جمعه انتخابی در پیش است و کشور در عرصه سیاست خارجی با مسائل مهمی روبه‌روست، شکل این انتخاب چه تاثیری می‌تواند بر روند کلی کشور در این عرصه داشته باشد؟

وجود دارد که از اثرات وضعیت کنونی سیاست خارجی است! این اقتصاد سیاسی آسیب‌پذیر است و این نه تنها ضعیف و منفی است که خانمان برانداز است و این شرایط فعلی ماست و اینجاست که سیاست خارجی نقش عمده‌ای پیدا می‌کند. سیاست خارجی متاسفانه الان برای حل مشکلات کشور کارا نیست! جنبه‌های دیگری نیز وجود دارد؛ به این معنا که سیاست خارجی متاسفانه علمی نیست، خیلی هیجانی و فردمحور است و نهادگرا نیست! این وضعیت قابل تحمل نیست و باید این مسائل را در دولت چهاردهم حل کنیم چرا که در حال از دست دادن زمان هستیم. ما در حال عقب‌افتادن از رقبا هستیم و در مسابقات

طراحی کرده‌ایم یعنی فروش نفت را به سفره مردم وصل کردیم که نقض غرض است و در طول تاریخ ایران نداشته‌ایم که اقتصاد سیاسی کشور اینگونه طراحی شود! همه کشورها پول فروش نفت و فروش ذخائر که متعلق به نسل‌های آینده است را به‌عنوان سرمایه‌گذاری استفاده می‌کنند و سود آن برای رفاه مردم مصرف می‌شود. اما اینکه بیاییم فروش نفت را به سفره مردم وصل کنیم و نفت بفروشیم و اگر بتوانیم پولش را برگردانیم کالاهای اساسی مردم را وارد کنیم! تازه چه مقدار حرف و حدیث در این زمینه و میزان تخفیف و برگشتن پول‌ها به دلیل تحریم‌ها و عدم عضویت در اف‌ای‌تی‌اف و مبادلات غیرشفاف که باعث رواج فساد شده

جاوید قربان اوغلی: اگر نگویم همه،

بلکه بسیاری از مشکلات و بن‌بست‌های کشور در تامین معیشت و زندگی آبرومند برای مردم، عقب ماندن از توسعه‌یافتگی در مقایسه با همسایگان و کشورهای که با فاصله بسیاری از ایران قرار داشتند و تنزل جایگاه کشور در نظام بین‌الملل، در کنار ناکارآمدی داخل، ریشه در سیاست خارجی کشور دارد. هنر حکمرانی بستن دروازه‌های کشور نیست. هیچ کشوری را در جهان نمی‌توان سراغ گرفت که با سیاست خارجی سست‌زبان در مسیر توسعه قرار گرفته باشد. بنابراین سیاست خارجی به نحو غیرقابل انکاری با انتخابات پیوند می‌خورد. جمله معروف روحانی که در زمان انتخابات ۹۲ گفت باید چرخ سانترفیوژها بچرخد ولی چرخ اقتصاد هم بچرخد. این یکی از گزاره‌های تاثیرگذار در کسب پیروزی او بود. آنچه انتخاب او در انتخابات ۹۶ را هم تضمین کرد همین مسئله سیاست خارجی، موفقیت در گذر از بحران هسته‌ای بود. آقای خاتمی علاوه بر ایده تاثیرگذار «گفتگوی تمدن‌ها» که ایران را در سطح جهان به‌عنوان کشوری صلح‌طلب مطرح کرد، در گفت‌وگو با سسی‌ان‌ان گفت می‌خواهد در دیوار بی‌اعتمادی بین ایران و آمریکا شکاف ایجاد کند. نگاه دنیا به ما، براساس ایده‌های سازنده و تاثیرگذار که از زبان مسئولان رده اول و مسئول دستگاه دیپلماسی کشور شکل می‌گیرد. قطعاً فرق بزرگی است که در رأس دستگاه دیپلماسی ما طریف و صالحی قرار داشته باشند یا متکی و امیرعبداللّه‌پیمان. توانمندی و تاثیرگذارترین افراد برداشت‌های مختلفی را در فضای بین‌المللی ایجاد می‌کنند. به سوال شما برگردم، به‌عنوان یک کارشناس، تردید ندارم که نقش رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و دستگاه دیپلماسی کشور در نحوه اجرا و پیشبرد اهداف و تصمیمات کلان تاثیرگذار است. براساس قانون اساسی، رئیس‌جمهور، رئیس‌شورای عالی امنیت ملی کشور به‌عنوان نهاد تصمیم‌گیری کلان کشور است. مشخص است که حضور شخصی مانند خاتمی و یا حتی روحانی در خروجی و مصوبات این شورا تعیین‌کننده است. بنابراین سیاست خارجی برآمده از انتخابات در بسیاری از موضوعات کشور از جمله معیشت، زندگی، آینده و توسعه تاثیرگذار است.

نصرت‌الله تاجیک: سیاست خارجی از

چند جهت در کشور ما مهم شده است؛ اول اینکه متاسفانه سیاست خارجی گروگان سیاست داخلی شده است به این معنا که اگر سیاست خارجی را آزاد نکنیم هر چند به‌طور مطلق قابل جداسازی نیست و سیاست خارجی و سیاست داخلی آینده تمام‌نمای یکدیگر یا دوری یک‌سکه هستند و به هر صورت ارتباط نزدیکی دارند اما گروگان گرفتن سیاست خارجی توسط جناح‌ها یا افراد تنها مختص ماست. راهش این است که سیاست داخلی را به گونه‌ای تنظیم کنیم که در سیاست خارجی راهبردی متوازن با رویکرد تنش صفر داشته باشیم. نکته دوم این است که ما اقتصاد سیاسی ضعیفی

